

# چالش های مرجعیت دینی در جهان معاصر

نوشته: حسن علی شاه حسینی

۵ سپتمبر ۲۰۲۱

## چکیده

امروزه مدل های مختلف رهبری در جهان معاصر تجربه می شوند و ملت ها بیشتر به دنبال کارایی این مدل ها بوده و به این هدف تلاش می کنند که از طریق نقش دادن مردم در تشکیل آنها بقای شان را ضمانت کنند. مسلمانان که پس از پیامبر دست به تشکیل خلافت یازیدند و امت را در سرزمین های مختلف از این طریق زیر رهبری واحد آوردند، اکنون در جهان معاصر برای مدل رهبری کارا برای اتحاد امت، از راه های مختلف تقلی می کنند. در کنار خلافت، گروهی در تلاش ایجاد مرجعیت دینی با صلاحیت آستین بر زده اند، اما پرسش این است که آیا مسلمانان با توجه به پیچیده گی های درونی و دنیای پیرامون شان، روی این طرح با رویکرد سنتی به توافق خواهند رسید؟ در یک سوی خط نو اندیشان دینی قرار دارند و سوی دیگر خط سنت گرایان و برخی ها میانه رو، صف کشیده اند. درین مقاله روی چند وچونی مرجعیت دینی و چالش های فرا راه آن بحث های در پی خواهد آمد.

## کلید واژه ها

مرجعیت دینی، جهان معاصر، امت، قرائت چندگانه، تلاش محققانه و دانشگاهی.

## مقدمه

اخیرا اقبال مطالعه رساله یی را یافتم که "ازین چشم انداز... " از سوی آقای محمد محق، یکی از نواندیشان دینی سرزمین ما عنوان گرفته است. این رساله هرچند مختصر؛ اما پراز معناست و چشمه یی

که هر لب تشنه را از زلال معانی سیراب می سازد. هرچند در زمینه نواندیشی دینی عنوان های اصلی و فرعی زیادی دارد که پرداختن به آن در مجال جستار حاضر نمی باشد؛ اما در صفحه ۱۳۵ رساله عنوانی اختصاص یافته است که در باره "بایسته های مرجعیت دینی در جهان معاصر" سخن می راند. نویسندگان این سطور هر چند خود را در جایی نمی بیند که به نقد و بررسی این مقاله پردازد، اما موضوع از آنجا باب می شود که ما امروز در جهان اسلام با چالش های مضاعف دست و پنجه نرم می کنیم و روزانه صدها تن مسلمان قربانی قرائت های تندروانه می شوند و بی هیچ، خون شان را در زمین می ریزانند و استخدام در حلقه هایی می شوند که برضد شان شعار سر می دهند و از بلندگوهای شهر به نفرین آنان صدا بلند می کنند. بنابراین در چنین فضای بغرنج میدان دادن به مراجع دینی که بیشترین با هیچ معیاری آراسته نیست، دیگر هم وضعیت را بحرانی و متشنج می سازد و تلاشی خواهد بود به سوی بیراهه و در گودال افگندن ملت هایی که سال ها در فقر و فاقه زنده گی به سر می برند. در همین پیوند مقاله حاضر تلاش دارد تا برخی چالش هایی را که مرجعیت دینی در مسیر ناهموار خود بدان مواجه می باشد، را نشان دهد و از سویی هم برخی راهکاری را که ممد کارمتدینان در جهان معاصر و از جمله در افغانستان واقع خواهد شد، را بنمایاند. بنابراین ابتدا نقل و قول کوتاه از محمد محق آورده می شود و به دنبال آن تحلیلی از نویسنده این مقال از نظر خواننده خواهد گذشت.

### تعریف مرجعیت دینی

در آغاز به جاه می دانم تا تعریفی را که آقای محق از مرجعیت دینی ارایه می کند، را به گواه آورم: "مرجعیت دینی گاه به فرد و گاه به نهادی گفته می شود که از یک سو در فهم و تفسیر تعالیم دین از تخصص و آگاهی روشمند برخوردار باشد و از دیگر سو به مصداقیت اخلاق و التزام شرعی متصف باشد و ازین لحاظ مورد اعتماد و وثوق مردمان مسلمان قرار داشته باشد."

آقای محق سپس از چند مرجع دینی مانند مدرسه دیوبند در هند، زیتونه در تونس و الازهر در مصر را از جمله مراجع با اعتماد برای اهل سنت و حوزه های علمیه قم و نجف را برای اهل تشیع عنوان می کند و نیز تاکید دارد که برخی دانشکده های شرعیات و نیز مدارس دینی در نزد دو گروه یاد شده از اعتماد برخوردار می باشند.

امروزه در همه جهان مردم باورمند به کار نهاد ها در سطوح مختلف می باشند و در جایی که نهاد از اعتماد و اعتبار برخوردار هستند، افراد نمی توانند جای این نهادها را اشغال نمایند و اگر هم در

جایی از جهان مردم بر نخبه گرایی اتکامی کنند، برخاسته ازین است که این طیف مردم تاکنون به اعتلای علمی و فکری لازم نرسیده اند و ازین رو نخبه/نخبه های جامعه تاکنون گره از کارشان را باز می کنند. یگانه چالشی که از دیر باز تاکنون در میان مسلمانان پابرجاست این است که فهم دینی و تفسیر دینی همیشه حیثیت جاده یک طرفه را به خود می گیرد و در میان مسلمانان اعتنا به افکار فرقه های مختلف صورت نمی گیرد؛ مثلا پیوسته دو گروه مذهبی سنی و شیعی مد نظر بوده است و حتا در مواردی تنها یکی ازین گروهها در ذهن پیروان و نخبه گان این دو فرقه مراد بوده اند و نخله های دیگر فکری یا به نوعی در اسارت کلی گویی این دو فرقه گیرمانده اند و یا هم اینکه به گونه جدی طرد شده اند. البته این موردی است که آقای محق در مقالات مختلف خود به آن اشاره کرده و به احترام دیدگاه ها باور حتمی دارد؛ اما در تعریف بالا دست کم این موضوع را نمی توان سراغ داشت که چه کسی در فهم و تفسیر دینی تبحر داشته باشد، از کدام گروه مذهبی باشد، از میان اقلیت باشد یا اکثریت، مربوط شیعه باشد یا سنی و اینکه باز اکثریت و اقلیت کدام یک از دو فرقه بالا ذکر باشد، آیا تمام مسلمانان مرجع واحد داشته باشند، مراجع قاره بی داشته باشند، مراجع کشوری داشته باشد و حتا چنانچه آقای محق اشاره می رساند، نظر به تفاوت و برداشت های شرقی و غربی، آیا می شود به این پرسش ها، مراجع شرقی و غربی را هم اضافه کرد یاد خیر؟ تا مسلمانان همه با دید واحد به سوی این مرجع ایدآل نگاه کنند.

اکنون به مراجعی پیش گفته را که مورد اعتبار در نزد اهل سنت و اهل تشیع عنوان می شوند هرگاه نظر افکنیم می بینیم که آنها مورد اعتبار همه مسلمانان به مفهوم امت نیستند و این اعتبار به ساده گی در نگاه به جایگاه این نهادها، در میان روشن فکران و افراط گرایان قابل تمیز می باشد که امروزه طیف های مختلف روشن فکری در میان مسلمانان چه با نظر تجدد طلبانه، اصلاح طلبانه و افراط گرایانه وجود دارد و هریک از گروه های نظری به یقین به جایگاه این نهاد ها به یکسان نمی بینند و حتا همان گونه که متفکرین روشن فکر از سوی افراط گرایان طرد می شوند، به همان سیاق جریان های افراط گرا مورد پذیرش روشن فکران دینی نمی باشند. باید گفت که هریک از نهادهای یاد شده مربوط دو طرزبینش اسلامی افزون بر جایگاه دینی و اخلاقی خود امروز رنگ و بوی سیاسی دارند و در صورت موضع گیری یکی، دیگری موضوع را وارونه بر می تابد و شاید هیچگاه امت این اتفاق را شاهد نباشند که مفتی جامع الازهر و حوزه علمیه قم را از یک سکو در حال صدور فتوا ببینند. بنابراین اکنون به این پرسش می رسیم که صرف نظر از همه نابسامانی های موجود هرگاه مرجعیتی در کار باشد، با چه شگردهایی سامان می یابد.

## معیار انتخاب مرجعیت دینی چیست؟

زمانی که بخواهیم از یک مرجع دینی صحبت نماییم و اگر محل بحث ما اینجا اسلام باشد، الگویی باید ترسیم شود که هیچ یک از گروه ها در امت اسلامی از جنبه آن بیرون نماند. برای ترسیم چنین چتر که همه را در بر گرفته بتواند، حتما سراغ صدر اسلام برویم و در صدر اسلام نخست پیامبر و به دنبال آن خلفای راشد در مقام زعامت امت قرار گرفتند و تا جایی که تاریخ گواه می باشد تا اواسط خلافت خلیفه سوم دستور واحد به حیث مرجع وجود داشته است. پس از آن در دنیای اسلام دارالخلافت هایی ایجاد شد که هر کدام در رقابت هم قرار داشتند و قاعده خاصی از آدرس اسلام را در میان کسانی که بر آنان حاکمیت داشتند، را جاری نداشتند. اما موضوع هر چی باشد، یک دارالخلافت، گستره کلان دنیای آن روز را در اختیار داشته و لو به حالت نیم بند، وحدت فرماندهی منسجم در کار بوده است و چون در دنیای آن روز موضوع تماما سنتی و موروثی بوده مسلمانان هم ملزم به پیروی قاعده کلی بوده اند؛ اما امروز وقتی از مرجعیت دینی صحبت در میان آید آیا این مرجعیت انتخابی باشد یا انتصابی، مرجع از چه نقشی در قبال امت برخوردار باشد، کشور هایی که جمعیت مسلمان کمتر دارند، با چه شگرد سیاسی به این مرجعیت وفاداری خود را اعلام کنند.

اگر گفته شود که با رجوع به صدر اسلام به این موضوع پرداخته شود و از طریق بیعت و شورای به مرجعیت مشروعیت داده شود، آنگاه برگ برنده در دست گروه های افراطی خواهد افتاد و آنان ازین آدرس بر تلاش ایجاد مرجعیت دینی پیشی دارند. هرگاه مرجعیت دینی تنها حضور اسمی داشته باشد و فقط در یکی از کشورهای اسلامی جایگاه اشغال کند، مقدم بر همه در کدام کشور اسلامی حضور داشته باشد تا از مسایل سیاسی در امان بماند تا مشروعیت و اعتبارش در میان مردم ساقط نگردد. طبیعی است که موقف و شأن اسمی تنها از عمر و سلامت این مرجعیت تضمین داده نمی توانند و لذا باید سراغ یکی از مولفه های مدرن مانند انتخابات رفت و سران سیاسی کشورها و پارلمان های کشورهایایی که مسلمانان در آنان سکنانگزیده اند، نیز این کار را کرده نمی توانند و به فرض اگر در خصوص تعیین آن راهکاری یابند، باز هم در خصوص اینکه دارنده این مقام با لباس و القاب مدرن آراسته باشد یا اینکه القاب سنتی مانند خلیفه، امیر، ولی و یا القاب دیگری. هرگاه به نظر رسد که تعیین چنین مرجع در سطح کلان امت کاری ناممکن است، آنگاه تصمیم بر این گرفته می شود که در سطح هر کشور اسلامی باید یک مرجع وجود داشته باشد، آنچنان که امروز در افغانستان شورای علما و وزارت حج و اوقاف و دیگر

کشور های اسلامی نیز مراجعی وجود دارند، ولی هیچکدام اینان به جز از ایجاد نفاق و خودسری از آدرس دین، نقش تعیین کننده نه داشته اند.

### وضعیت سیاسی-قومی عامل بازدارنده مرجعیت دینی

رویکرد ها و ادبیات در جهان امروز در میان توده های بشری حول محور ارزش هایی مانند جهانی شدن، دولت-ملت، حقوق بشر، حقوق زن، حقوق کودک، مراقبت محیط زیست، دموکراسی، اخلاق جهان شهری و ... می چرخد و انسان ها پیوسته در تلاش اند تا برای نهادینه سازی ارزش های یادشده که می شود فهرست طویل تر از آن ساخت، در تلاش می باشند و ازین رو، هر امر بشری و فرا بشری که سدی در برابر نهادینه شدن این ارزش های ایجاد نماید، به آسانی قابل حمایت نه خواهد بود. مسلمانان به صورت عموم پس از حمله مغول شاهد یک شکست و انزوای تاریخی گردیده اند، هرچند پس از هجوم مغول باز هم منطقه ما شاهد ظهور امپراتوری عثمانی و قدرت های کوچک تر دیگری مانند صفوی در ایران و تیموری در شبه قاره بوده است؛ اما آنچه مسلم است این است که گواه بالنده گی فکری آنچنان در میان مسلمانان نبوده ایم و به ویژه پس از شروع دوران استعمار در جوامع شرقی دانش های بشری سطح افت را تجربه کرده اند و از آنجمله فقه اسلامی که پرورده گی خوب تری در گذشته داشت با از میان رفتن دولت عثمانی افول بی سابقه داشته است و برای مدت زیاد که دانشمندان در سرزمین های غربی برای رفاه جامعه های شان از راه های مختلف کوشیده اند، قانون های ارزشمند را یکی پی از دیگری تجربه کرده اند، زنان را سهم مشترک در اجتماع داده اند، به نقش مردم در تشکیل دولت ها اهتمام داشته اند، مسلمانان درگیر منازعات درونی از یک طرف و عدم تسامح آشستی جویانه با جوامع غربی، ناشی از سنت و مدرنیته، از جانب دیگر شاهد یک عقب هولناک گردیدند که بزودی قابل جبران نه خواهد بود.

با آنچه اشاره رفت هر گاه صلاح جوامع مسلمان در آن دیده شود که برای عبور از یک حالت اسف ناک به سوی حالت مطلوب چاره یی جز ایجاد مرجعیت دینی نه دارند و به عبارت دیگر برای خاتمه دادن جنگ های جاری در میان شان سراغ به اصطلاح عالمان دین بروند که چالش های موجود به دست آنان کلید بخورد، موضوع قابل مذاقه می باشد. امروز جهان با مرزهای سیاسی رنگ شده است و هر کشور به خاطر به خطر افتادن منفعت های سیاسی اش نظارت سختگیرانه تری از همسایگان خود دارد و به صورت بی وقفه می کوشد تا پلان های بیرونی را علیه خود بررسی نماید و برای دفع آن هر تلاش ممکن را به خرج بدهد. این نه تنها در مورد یک کشور مسلمان با یک کشور غیرمسلمان صادق

است، بلکه در میان دوکشور همسایه مسلمان هم وضعیت مشابه قابل مشاهده می باشد. به عنوان مثال عربستان در همسایگی خویش نظارت جدی بر یمن دارد تا دریابد که ایران چه رخنه‌یی را متوجه اش می سازد. پاکستان نظارت جدی از مرزهای افغانستان و کشمیر دارد تا بداند که هند چه طرح و نقشه در حق او کشیده است و برای دفع مداخلات هند در قضایای خود، گروه‌های رادیکالی را استخدام می کند تا به عنوان یک پیش نیاز جدی از آن در برابر تطبیق پلان‌های مرئی و نامرئی هند کار بگیرد. ترکیه با وجود یکه در شرایط امروز از راه‌های مختلف در تلاش تشکیل یک قدرت هژمون اسلامی است، همزمان با اینکه عضویت ناتو را دارد، در معادلات بین‌المللی از سیاست‌های جانب دارانه آمریکا در برابر اسرائیل انتقاد می کند. در حالی که عربستان با جمع یکی دو کشور دیگر اسلامی از متحدان جدی آمریکا است و حتا در معادلات سیاسی حمایت خاموشانه از سیاست‌های جانب دارانه آمریکا از اسرائیل می کند.

از سویی هم در حال حاضر کشورهای اسلامی درگیر یک سری از موضوع‌ها و چالش‌های داخلی خود شده‌اند و این چالش‌ها ظهور افراطیت دینی است که به صورت شتابان موج آن دامنه بسیاری از سرزمین‌های دیگر را نیز گرفته است. گروه‌های افراطی خود را حامی اصلی دین و مدافع ارزش‌های اصیل اسلامی می خوانند و به زعم آنان دولت‌های موجود در کشورهای اسلامی تحمیلی، دست‌نشانده، مغایر ارزش‌های اسلامی‌اند و ازین رو جهاد در مقابل آنان روا و امر الاهی بوده و به مسلمانان دیگر به صورت فرامرزی نوید می دهند که به صف آنان بپیوندند و اسباب اضمحلال این حکومت‌ها را فراهم آورند و بدینسان به قدرت سیاسی برسند تا هم دین را حراست کنند و هم امت را نجات دهند.

با ترسیم وضعیت بالا که بیشتر دید انداز سیاسی فرا راه مرجعیت دینی می باشد و به زودی همه امت را دور یک میز از گردآمدن باز می دارد، چالش‌های دیگری هم است که بوی و رنگ فرقه‌یی، قومی و استقلال‌طلبی را دارا می باشد. برای مثال کشور عربستان و ایران دو کشوری که اقتدار دینی بیشتر در آنان به مشاهده می رسد و به گروه‌های رقیب مذهبی دیگر بهای چندان داده نمی شود؛ زیرا گروه‌های شیعه مشرب در عربستان سرکوب می شوند و در مقابل باورمندان به عقاید اهل سنت در ایران در وضعیت خوب به سر نمی برند. در همین حال گروه‌های قومی مانند بلوچ و پشتون در پاکستان از سوی دولت این کشور خواسته و ناخواسته فرصت نمی یابد تا اعلان استقلالیت نماید و به همین میزان کردها گروه قومی در کشور های عراق، ایران و ترکیه نیز از مسیر پیشرفت به جلو برای اعلان یک

حکومت خود مختار بارها عقب زده شده و با سیاست سرکوب گرانه ترکیه در حال حاضر به صورت جدی، مواجه می باشند.

## مرجعیت دینی ایده آل

اکنون به این نکته مهم می رسیم که در دنیا معاصر ما دنبال کدام مرجعیت دینی می باشیم که گشاینده کلاف سر درگم مسلمانان باشد. آیا مرجعیت سیاسی عربستان کفایت کننده است یا ایران؟ مرجعیت هژمون اسلامی ترکیه کفایت کننده است یا گروه های افراطی تمامیت خواه. در پاسخ به این باید گفت که امروزه اگر بر این مرجعیت ایده آل به توافق برسیم، پرسش بعدی این خواهد بود که این مرجعیت با روش سنتی فقهی به امور امت خواهد پرداخت یا بر موازین حقوق بشری امت اداره خواهد شد؟

طبیعی است که فقه اسلامی در خلال یک بازه زمانی صد الا دو صد سال، دچار نارسایی کلان گردیده و امروز شاید کسانی در دفاع از اجرایی ساختن آن برآیند، مورد انتقاد قرار بگیرند؛ زیرا موافق تحقیق پژوهشگران در فقه سنتی حقوق انسانی در حوزه های کلان تر تعریف نه شده است و در پاره یی از موارد احکام فقهی در منافات با ارزش های امروز بشری قرار دارد. ناگفته پیداست که دیگر حجاب اجباری توأم با اکراه در ایران و عربستان و کشورهای دیگر چند صباحی کارایی دارد و به مرور زمان داستان آن به فرجام خواهد رسید و بیرون از محدوده این دو کشور، سایر گروه های افراطی که بر این عمل صحنه می گذارند، هرگاه به تطبیق آن روآورند، قرار تجربه با مقابله سخت مسلمانان مواجه خواهند شد. درین صورت برای جلوگیری از یک بحران و شکاف شاید مسلمانان در تلاش یک مدل جدید بروند و یا هم مدل های عربستان و ایران را در محک آزمایش قرار دهند، ولی باز هم خواهند دید که حالت این کشورها آنچنان خوب توصیف نمی شود و ملت ها درین کشورها به حیث رعیت دیده می شود، زیرا جمال خاشقچی از سوی عربستان سلاخی می شود و نیز بدون تایید رهبر معظم رای مردم در ایران نتیجه یی در پی نخواهد داشت و بالنتیجه در قضیه اولی آزادی بیان معنا نمی یابد و در قضیه دوم اراده مردم به سرنوشت سپرده شده است.

زمانی که پاسخ در برابر اجرایی ساختن فقه سنتی از آدرس مرجعیت دینی ایده آل منفی اعلان شود، آنگاه مرجعیت دینی باید سراغ ارزشهای بشری مانند دموکراسی، آزادی بیان، حقوق زن، اخلاق جهان- شهری و دیگر ارزش ها برود و درین صورت سطح نیازمندی به مرجعیت دینی کاهش می یابد و

مسلمانان به قول مجتهد شبستری به جای اینکه دموکراسی را اسلامی بسازند با دموکراسی و سایر ارزش های بشری سر تسامح در پیش گیرند، در تلاش ایجاد دولت های قدرت مند شوند، ملت سازی کنند، گروه های فرقه یی را اجازه فعالیت و انجام مناسک شان بدهند، از قرائت یک طرفه و حق به جانبی خود به نفع مصالح ملی و امت بگذرند، گروه های دینی را مانند گذشته نمی، محارب و معاهد نخوانند، زیرا این کار به جای کمک به پیشرفت مایه سرخوردگی کلان می گردد.

تا اینجای داستان خواننده ممکن تصور کند که وقتی مرجعیت دینی منتفی اعلان می گردد، راه تبدیل برای دین داری چه خواهد بود؟ مسلمانان در دنیای امروز در تفکیک حلال و حرام به کجا رجوع نمایند؟ در پاسخ به این پرسش باید گفت که امروز وضعیت دنیای ما با گذشته فرق کلان یافته است و دیگر با توجه به گسترده گی بی پیشنهاد دانش های بشری یک فرد هیچگاه نمی تواند در تمام حوزه های علوم آگاهی مطلق داشته باشد تا مردم برای چند و چونی عمل شان به فرد و حتا نهاد مشخص مراجعه کنند. درین میان موضوع های سیاست، اجتماع، معاملات، فراگیری دانش های بشری نیاز نه دارند تا پشتوانه فتوای فرد یا نهادی را با خود داشته باشند. برخی موارد هم مربوط به فرهنگ و سنت های مردمی می شوند و بیشتر به مصلحت جمعی تعلق دارند تا به تایید فرد یا نهاد به عنوان مرجع دینی. ازین میان باقی ماند موضوع شعایر و مناسک دینی که به قول آقای محق نماد وفاداری به دین اند؛ ولی از تمام دین نماینده گی نمی کنند. لذا برای اینکه فردی نشان دهد که به یک دین خاص متعهد می باشد، با صرف انجام دادن این شعایر می تواند اظهار عقیده کند و ضرورتی نه دارد که در رشته طب فنی باشد و برای اینکه مسلمان است، تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام را با همه ریز و درشت و فرازو فرود آن بیاموزد.

به جای این بهتر خواهد بود که میان حوزه تحقیقات دانشگاهی دین از شعایر و مناسک دینی تفاوت قابل شویم و بگذاریم که مسلمانان مانند گذشته مسلمان باشند، مطابق اصول هر مذهبی که دارند، به عبادات روزانه، هفته وار، ماهوار و سالیانه شان بدون اکراه و جبر ادامه دهند؛ اما در دانشگاه های کشور های اسلامی رشته فلسفه و الاهیات اسلامی مبتنی بر موازین پژوهشی بنا یابد و نه مانند امروز که مضمونی به نام "ثقافت اسلامی" در افغانستان تدریس می گردد و از آدرس دین تظاهر و خود فروشی صورت می گیرد، پژوهش های فنی و حرفه یی راه انداخته شود و دانشجویانی که علاقه مندی به دین پژوهی داشته باشند، به تحصیلات خویش ادامه دهند تا دست آورد های بیشتری را شاهد باشیم و از نظریات دگم و متحجر که مانند پاد زهر کام مخاطبانش را چه در مقطع دانشگاهی و چه در خطبه های جمعه تلخ می سازد، جلوگیری صورت گیرد. این موضوع از یک سو کمک می کند که تفاسیر و برداشت



های تخریب‌گرانه و غیرمسلکی از میان برود و از سوی دیگر دین از حالت لیلامی شدن و بازاری به سوی رونق و اصلاح افکار سوق زده خواهد شد و دیگر گروه‌های افراطی فرصت نخواهند یافت که با قرائت تند روانه از دین بر سرنوشت امت چیره شوند و آنچه را که در برهه زمانی خاص و مقطع جغرافیایی ویژه قد برافراشته، در دنیای امروز بدون بازشناخت زمینه و زمانه بر مردم به نام دین تحمیل نمایند. به همین صورت پس از اینکه پژوهش‌روشنمندان و دانشگاهی‌ها ادامه می‌یابد، موارد اخلاقی بیشتر در دستور کار قرار داده می‌شود و هر فرد با سواد در جامعه با خواندن یک کتاب در باره اخلاق دینی بر موازین تفسیر امروز خود به خود در تلاش و اصلاح خود و خانواده اش می‌کوشد.

### نتیجه‌گیری:

مرجعیت دینی با توجه به اینکه وضعیت دنیای امروز نسبت به گذشته فرق کرده و باورمندی به کار نهاد های معتبر بیشتر گردیده، اهمیت آنچنان نه دارد. در شرایط حاضر در دنیای مسلمان و لو برخی نهادها با وضعیت نه چندان بروز علمی، ازین آدرس سر کشیده اند، از اعتبار چندانی برخوردار نمی‌باشند. درکنار آن با توجه به تفسیرهای متعدد در میان مسلمانان و کم‌مهری در برابر اقلیت‌های مذهبی، مشروعیت دادن در سطح ملی و بین‌المللی کاری دشوار به نظر می‌رسد. همچنان شرایط و رویکرد های سیاسی و پیچیده‌گی‌هایی که کشورهای اسلامی با در نظر داشت منفعت‌های شان بدان چشم دوخته اند و از آشتی و گذشت در برابر یکدیگر طفره می‌روند، سد راه تفاهم بر سر مرجعیت دینی می‌گردد و حتا نمی‌توان بر سر مرجعیت اسمی و تشریفاتی نیز به توافق رسید.

افزون برین دنیایی که ما در آن زنده‌گی می‌کنیم در مقایسه به گذشته تغییر قابل ملاحظه نموده است و امروزه افراد در رویارویی با موضوعی بیشتر به عقل خود برای پذیرش و انجام یک مورد رجوع می‌کنند تا اینکه به دنبال یک مفتی با سلیقه خاص بشتابند. در همین حال برای همه گان نیاز جدی نیست که به دلیل مسلمان بودن در دین داری شان کار دانشگاهی را در پیش گیرند و حتا برای مسلمان بودن فقط کافی است که به شعایر و مناسک دینی بدون جبر با رضایت دل پابندی نشان داد.

## سرچشمه ها:

1. محق، محمد، واللبل اذا عسعس(نوزایی، افراط گرایی و تنگناها)، صفحات ۲۳۶، ۲۴۴ و ۲۵۲، چاپ اول، ۱۳۹۵.
2. محق، محمد، ازین چشم انداز، ص ۱۳۵-۱۴۸، چاپ اول، ۱۳۹۹.
3. شبستری، محمد مجتهد، پیامبرموسس روش حکومت نبود، آدرس تلگرامی، ۳۰ جولای ۲۰۱۸.
4. شبستری، محمد مجتهد، حکومتی که باید وابسته به دین نباشد، آدرس تلگرامی، ۴ جون ۲۰۱۸.
5. شبستری، محمد مجتهد، انسانی شدن علوم اسلامی، آدرس تلگرامی- محمد مجتهد شبستری، ۴ جون ۲۰۱۸.
6. محق، محمد، کفرچیست و کافر کیست؟(آدرس فسیبوکی-Mohammad Moheq)، ۲۹ اپریل (۲۰۲۱).
7. محق، محمد، درباره ثقافت اسلامی(آدرس فیسبوکی-Mohammad Moheq)، ۲۶ نوامبر، ۱۲ و ۱۳ دسامبر ۲۰۱۶.